



تأثیر حجاب بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی

پدیدآورده (ها) : سلطانی، اختر؛ علی مرادیان، مهرداد
علوم اجتماعی :: فرهنگ ایلام :: پاییز و زمستان 1389 - شماره 28 و 29 (ISC)
از 130 تا 146
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/964448>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره
تاریخ دانلود : 09/06/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

تأثیر حجاب بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی

اختر سلطانی* مهرداد علی مرادیان**

چکیده

مطالعه ی تمدن های مختلف نشان می دهد که حجاب از عادت ها و آداب و رسوم قدیم تمدن های بشری بوده است. مسأله ی حجاب زن در جامعه از مهم ترین مسائلی است که دین مبین اسلام آن را تأکید می کند. زن مسلمان با رعایت حجاب به خوبی دریافته است که پوشش اسلامی می تواند شأن، مقام و منزلت والای او را حفظ کند و وی را در موقعیتی قرار دهد تا با اتکا به توان و ظرفیت های خاص خود، ضمن رعایت موازین اخلاقی و شرعی، نقش تأثیرگذار خویش را در جامعه ایفا کند.

با این وجود، باید این واقعیت را بپذیریم که تبلیغات جهانی و سیاست یکسان سازی، پوشش های مختلف را تهدید می کند و تنوع فرهنگی را از میان برمی دارد و از غنای فرهنگ ها می کاهد. از این رو، ایستادگی در مقابل سیل ویرانگر فیلم های مبتذل کار ساده ای نیست؛ چون بعضی از آنها به صورت یک صنعت پرسود درآمده است و هر روز بیشتر نفوذ می کنند، کانون خانواده ها را از هم می پاشند و جوامع را به سوی پرتگاه سقوط و تباهی سوق می دهند.

تأثیر منفی چنین فیلم هایی به حدی است که از عصر ما به عنوان عصر فرو پاشی ارزش ها یاد می شود. بنابراین، تمسک به ارزش های دینی و پیروی از شرع مقدس اسلام می تواند زن مسلمان را از چنین آسیب های ویران گری مصون بدارد. در این پژوهش که با استفاده از روش مرسوم مطالعات کتابخانه ای انجام شده، تأثیر حجاب بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی از منظر علمی و قرآنی بررسی گردیده است. سعی شده بر اساس آیات و روایات از پوشش اسلامی مناسب تصویر روشنی ارائه شود. علاوه بر آن، به نتایج عدم رعایت حجاب اسلامی و تأثیر منفی آن بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حجاب، سلامت روانی، امنیت اجتماعی، کمال فردی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام
** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام و دانشگاه پیام نور ایلام



مقدمه

با مطالعه‌ی سیر تحول و تکامل فرهنگ‌ها در می‌یابیم که پوشش مناسب و حجاب راستین، دستاورد تمدن‌های بزرگ و ادیان الهی است. پیروان ادیان الهی به ویژه ادیان ابراهیمی در پذیرش اصل حجاب و پوشش اتفاق نظر دارند.

زن مسلمان با رعایت حجاب اسلامی، به تهذیب و تزکیه‌ی نفس و ملکات نفسانی می‌پردازد، امکان حرکت به سوی رسیدن به شأن و قرب الهی را برای خود فراهم می‌آورد و زمینه‌ی رشد معنوی مردان را به دلیل حفظ نگاه خود، تأمین می‌کند. چون زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، نقش مهمی در حفظ و گسترش حجاب و پاکدامنی دارند.

حجاب از لحاظ روان‌شناختی موجب خودارزشمندی افراد و در نتیجه، استحکام پیوند خانواده و استواری شخصیت آنان می‌شود و عزت نفس آنان را ارتقا می‌دهد. بر اساس مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، حجاب مانع افسردگی می‌شود و به سلامت روحی و روانی افراد کمک می‌کند. زنان با رعایت حجاب، تمایلی به خودنمایی ندارند و وسوسه‌های شیطانی آنان از بین می‌رود. زنان با رعایت این اصل مهم دینی، ایمنی و سلامت روانی نیمی از افراد جامعه تضمین، و به دنبال آن امنیت اجتماعی آنان تأمین می‌شود. حجاب باعث آرامش اجتماع، و ارتقای ارزش و منزلت زن مسلمان است. بین حجاب زنان و موفقیت‌ها و کمالات مادی و معنوی آنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد؛ زیرا اضطراب و ناآرامی در میان آنان کمتر می‌شود. چون زنان بی‌حجاب معمولاً به دنبال مدگرایی، تجمل‌گرایی، پوشیدن لباس‌های متنوع و خودنمایی هستند، این عوامل موجب می‌شود فرد از مبدأ و معاد بی‌خبر شود و به ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی توجه نکند. از این رو، با توجه به ارزش و اهمیت آن‌ها در جامعه، مقاله‌ی حاضر درصدد بررسی تأثیر حجاب بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی بر افراد جامعه است.

طرح مسأله

باتوجه به این که ۳۲ سال از انقلاب اسلامی گذشته است و مردم در این مورد آگاهی کامل دارند و دستگاه‌ها و نهادهایی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، طلاب حوزه‌های دینی و کتاب‌های درسی (از دوره‌ی ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه) زنان را با حجاب و فلسفه و ضرورت آن آشنا می‌کنند، از این رو، زن مسلمان ایرانی به آسانی درک می‌کند که رعایت حجاب توسط بانوان بر سلامت روانی تأثیرگذار است و امنیت اجتماعی را به دنبال دارد و موجب استحکام بنیان خانواده می‌شود. حال، این سؤال پیش می‌آید که تأثیر حجاب بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی چیست؟



روش تحقیق

این تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه ای و مبتنی بر فن فیش برداری از کتاب های مختلف دینی و بعضاً مرجع انجام شده و از روش تفسیری و تبیینی استفاده گردیده است.

سؤالات اصلی

- ۱- حجاب چگونه بر سلامت روانی افراد جامعه تأثیر می گذارد؟
- ۲- حجاب چگونه باعث امنیت اجتماعی در جامعه می شود؟

سؤالات فرعی

- ۱- تا چه اندازه قرآن به این موضوع اشاره کرده است؟
- ۲- تا چه اندازه حجاب می تواند سلامت روانی فرد را تأمین کند؟
- ۳- به چه میزانی امنیت اجتماعی را برای افراد جامعه ایجاد می کند؟
- ۴- عدم رعایت حجاب چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

ضرورت تحقیق

تهاجم فرهنگی یکی از سیاست های کشورهای غربی است. این کشورها با طرح مسائلی همچون آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و ...، در کشورهای اسلامی به دنبال تحقق اهداف خود هستند. بنابراین، با طرح مسائلی همچون سلب آزادی زن؛ حجاب مانع پیشرفت و عامل رکود و عامل دلسردی زنان، در دهه های اخیر به فعالیت های خود افزوده اند؛ اسلام دین پویایی است و برای مبارزه با رویکرد کشورهای غربی برنامه های منسجم و دقیقی دارد. یکی از این برنامه های ماندگار و انسان ساز، حفظ «حجاب» است. اسلام درباره ی حجاب بسیار دقیق تر از ادیان دیگر بحث می کند و احکام آن را بیان می نماید و حدود آن را مشخص می سازد. مقوله ی حجاب در ابعاد مختلف از مسائل مهم و سرنوشت سازی است که در سلامت روحی و امنیت اجتماعی فرد تأثیر بسیار زیادی دارد. در ادیان گذشته (خصوصاً ادیان ابراهیمی) به این مسأله توجه خاصی شده، و اسلام به عنوان اکمل ادیان الهی نسبت به این مسأله حساسیت بیشتری نشان داده است. به همین دلیل، این مقاله با درک اهمیت حجاب و تأثیر آن بر سلامت روانی و امنیت اجتماعی نگاشته شده است.



پیشینه ی موضوع

مطالعه ی تمدن های مختلف، نشان می دهد که حجاب از عادت ها و آداب قدیم تمدن های بشری بوده است. حجاب در آیین زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام لازم شمرده شده و احکام دینی، کتاب های مذهبی، آیین، آداب و سیره ی عملی پیروان ادیان الهی آن را تأیید می کنند.

پس، پوشش در ادیان و اقوام پیش از اسلام نیز، بی سابقه نیست. گویا گرایش فطری انسان، او را به نوعی پوشش فرا خوانده است. آن چه مسلم و قطعی است، حجاب پیش از اسلام نیز، در ادیان و اقوام مختلف رواج داشته و اسلام مبدأ آن نبوده است. البته، تنها تشریح حدود آن توسط اسلام صورت گرفته است. حتی با استفاده از آیه ی ۲۲ سوره ی اعراف که بر فطری بودن پوشش دلالت دارد، می توان ادعا کرد که پوشش در دین و فطرت بشر ریشه دارد.

موضوع حجاب در منابع زیادی از جمله: قرآن کریم (منبع وحی) و تفاسیر معتبر المیزان، مجمع البیان و... آمده، ولی در این مقاله از زاویه ی دیگری بررسی شده است.

حجاب چیست

حجاب در لغت به معنای پرده ای است که مانع دیدن باشد. چه، این پرده ظاهری باشد و یا باطنی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۰). البته، منظور از پرده ی ظاهری پوششی است که بدن را از دید نامحرم می پوشاند. و از لحاظ معنوی یعنی سینه ی انسان پوششی داشته باشد تا هر آفتی به آن نرسد. نویسنده ی فرهنگ لاروس در باب حجاب گفته است: حجاب یعنی حجب، حجباً و حجاباً یعنی پوشاندن، منع کردن. اسم مفعول آن محجوب و جمع آن محجوبون است (جر، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۷۰). حجاب به معنای پوشاندن بدن از نامحرم، امری فطری است که برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد (حداد عادل، ۱۳۶۳: ۲۵). با توجه به آیات و نظر فقیهان هدف اسلام فقط پوشاندن بدن زن از تماس با نامحرم و ممانعت از جلوه گری و خود نمایی اوست، نه پرده نشین کردن او (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۷).

معنای اصطلاحی حجاب

معنای اصطلاحی حجاب پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست ها تا میج است. واژه ی حجاب گرچه در لغت به معنای پرده و حایل به کار رفته، ولی امروزه به طور مسلم فقط به معنای پوشش مخصوص زنان به کار می رود (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۲). بنابراین، حجاب امری



ظاهری و در ارتباط با جسم است. اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، اما منشأ مادی و طبیعی دارد. پس، پوشش ظاهری افراد و به ویژه زنان را حجاب می گویند که مانع نگاه نامحرم به آنان می شود.

تأثیر حجاب در اجتماع

خداوند در آیه ۵۹ از سوره ی احزاب درباره ی حجاب خطاب به پیامبر و امت اسلامی می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مومنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند و خداوند بخشنده مهربان است».

کلیه ی الفاظ و واژه هایی که در این آیه آمده است توجه هر خواننده ی ژرف نگری را به خود جلب می کند به همین جهت معنای دقیق واژه ها را از دیدگاه لغت شناسان مورد ارزیابی قرار می دهیم:

ابن عباس این واژه را چنین معنا کرده است: الرداء الذی یستر من فوق الی اسفل «جلیاب ردایی است که سراسر بدن از بالا تا پایین را می پوشاند» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵). از این معنا پیداست که جلیاب از واژه ی «رداء» گرفته شده است. در مجمع البحرین نیز، نقل شده است: الجلابیب جمع جلیاب و هو ثوب واسع أوسع من الخمار و دون الرداء تلويه المرأة علی رأسها وتبقى منه علی ما ترسله علی صدرها. (طریحی، ۱۳۸۱: ۳۸۴). «جلابیب جمع جلیاب و آن لباسی است که از خمار بزرگ تر و زن آن را بر سر می کند و بقیه آن را بر سینه ی خود می اندازد. به عبارت دیگر مقنعه ی بلندی است که تمام سر و سینه ی خود را با آن می پوشاند.

به طور کلی، جلابیب جمع جلیاب نوعی پوشش بوده که بر روی لباس ها پوشیده می شده است و از سر تا پا حتی همه ی لباس های زنان را پوشش می داده است. جلیاب را نیز، ملحفه معنا می کنند که در حقیقت همان ازار است. بنابراین، می توان استنباط کرد که جلیاب به معنای چادر، مقنعه، لباسی بزرگتر از روسری و کمتر از چادر است که همه ی محققان بر آن تأکید کرده اند. البته، چادر را مصداق کامل معنای جلیاب دانسته اند. زیرا همه ی قسمت های بدن را می پوشاند.

بنابراین، جلیاب یک پوشش کامل است، یعنی زن به وسیله ی آن می تواند خود را از نگاه های نامحرم مصون دارد. براساس نص صریح قرآن این رویکرد سبب می شود که افراد رذل و پست نتوانند به زنان تعرض کنند و یا آن ها را تحقیر نمایند.



نکته ی جالب توجه در این آیه است که حجاب دژی است که زنان را از آزار و اذیت نامحرمان حفظ می کند. این که خداوند به رسولش می فرماید: به زنان و دخترانت بگو خود را بپوشانند، نشانگر این است که پوشش و عفت برای زنان اهمیت ویژه ای دارد. در حقیقت، پوشش زره ای است که زن را در برابر نیزه های آتشین نگاه حفظ می کند.

در آیه ۳۱ از سوره نور، خداوند حکم حجاب را به طور صریح و آشکار بیان فرموده و علاوه بر ظرافت هایی که در نوع پوشش زنان وجود دارد، افراد محرم را از نامحرم مشخص کرده و به بیان فلسفه ی حجاب پرداخته است و به زنان دستور می دهد که زینت ها و زیبایی های خود را در مقابل نامحرمان بپوشانند و آن ها را آشکار نکنند، تا مورد توجه آنان قرار نگیرند و شخصیت ارزشمندشان زیر سؤال نرود.

”قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ...“ «و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آن چه طبعاً از آن پیداست، و باید روسری خود را برگردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهران شان یا پدران شان یا پدران شوهران شان یا پسران شان یا پسران شوهران شان یا برادران شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان (هم کیش) خود یا کنیزان شان یا خدمت کاران مرد که (از زن) بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را (به گونه ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینت شان نهفته می دارند معلوم گردد». در باب ”يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ“ گفته شده است که: حفظ کنند از آنچه که بر ایشان حلال نیست و از فواحش (طبرسی، ۱۳۸۰: ۲۴۱). ”يَغْضُضُوا“ از ماده غَض در اصل به معنای کم کردن و نقصان است و در بسیاری موارد به کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸: ۴۳۶). غَضُضَ به معنای در هم نهادن پلک چشم هاست و ابصار جمع بصر هاست که همان عضو بیننده است. معلوم می شود که کلمه ی مِنْ در جمله ی ((مِنْ ابصارهم)) برای ابتدای غایت است نه زیادی و یا برای بیان جنس و یا تبعیض؛ زیرا هر یک برای یک معنا بیان شده و معنایش این است که مؤمنان چشم پوشی را از چشم خود شروع کنند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۵۸).



خمر به معنای پوشاندن است. طبرسی می گوید: اصل خمر به معنای ستر و پوشاندن است. راغب می گوید: اصل خمر به معنای پوشاندن شیئی است و به آن چه که با آن چیزی را می پوشانند خمار گویند، ولی در تعریف، خمار یعنی آن چه زن سر خود را با آن می پوشاند (قریشی، ۱۳۵۲: ۲۹۹).

جیب یعنی قلب، سینه و مراد از "لیضربن بخرهن علی جیوبهن" این است که زنان باید روسری های خویش را بر گردن و سینه ی خود بیندازند تا سر و گردن و سینه ی آنان آشکار نشود و جیوب در آیه اشاره به گردن و سینه دارد که باید پوشیده شود (همان، ۹۱).

در این آیه چند حکم بیان شده است: حکم اول در مورد فرو گرفتن چشم ها در مقابل نامحرمان است، حکم دوم در مورد ضرورت پوشش است و چنانچه در این آیه می فرماید: "ولیضربن بخرهن علی جیوبهن" «زنان خمارهای (رو سری های) خود را بر سینه های خود بیندازند». حکم سوم مستثنا کردن دوازده مورد برای زنان است که می توانند پوشش نداشته باشند و زینت خود را آشکار نمایند. "و لا یبدین زینتهن" و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای: ۱- شوهران شان؛ ۲- یا پدران شان؛ ۳- یا پدران شوهران شان؛ ۴- یا پسران شان؛ ۵- یا پسران همسران شان؛ ۶- یا برادران شان؛ ۷- یا پسران برادران شان؛ ۸- یا پسران خواهران شان؛ ۹- یا زنان مومن؛ ۱۰- بردگان شان و کنیزان شان؛ ۱۱- یا افراد سفیه و ابله‌ی که تمایلی به زن ندارند؛ ۱۲- یا کودکانی که هنوز از امور جنسی زنان آگاه نیستند.

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

تأکید اسلام بر پوشش زن

در پاسخ به این سوال باید اذعان کرد که به دلیل تفاوت های جسمی و روحی بین زنان و مردان و همچنین به دلیل ظرافت های وجودی زنان، اسلام به زنان دستور داده است خود را بپوشانند. اگر با دقت به این مسأله بنگریم خواهیم دید که یک سری رفتارها، شاید برای مردان مهیج و خوشایند باشد. اما، برای زنان ناخوشایند است. پس، پوشش زن برای این است که زمینه ها و عوامل تهییج جنسی در محیطی غیر از محیط خانواده از بین برود. البته، نباید فراموش کرد که اسلام برای زنان و مردان، تکلیف مشخص کرده است. اما، دلیل این که در زمینه ی پوشش به مردان کمتر تذکر داده شده است، این است که مردان جاذبه و ظرافت وجودی زنان را ندارند، بنابراین، ضرورت دارد غیر از مواردی که دین مبین اسلام تعیین کرده است خود را بپوشانند.

شاهد این ادعا، ادبیات، قصه ها و اشعاری است که همیشه در وصف زیبایی و جمال زن بیان شده اند و تقریباً مطمئن هستیم که هیچ شاعری از توصیف ظرافت و زیبایی جسمی مردان سخن به میان نیاورده است. البته، نباید این نکته را از یاد برد که مردان نیز، مجاز به پوشیدن هر نوع



لباسی نیستند. باید بنا بر آن چه که شرع و عرف برای آن‌ها مشخص کرده است، پوشش خود را انتخاب کنند. برخی از روایات معصومین (ع) نیز، بر پوشیدن لباسی که بدن نما نباشد تأکید دارند. هرگاه مردی از خانه خارج شود، باید پوشش وی مطابق عرف و قوانین شرعی اسلام باشد تا مبادا با نگاه کردن کسی به او، علاوه بر این که قوانین اسلامی رعایت نشود، باعث توجه نگاهی به طرف خود شود. (سلطانی، ۱۳۸۸: ۴۵)

اندازه‌ی پوشش

از بررسی مجموعه‌ی آیات و روایات، استنباط می‌شود که پوشاندن تمام بدن، دست‌ها تا مچ و سر (به غیر از صورت) بر زن واجب است. سید محمد کاظم طباطبایی در عروه الوثقی اذعان دارد: زن باید تمام بدن خود را از غیر همسر و محارمش بپوشاند، مگر صورت و دست‌ها، آن هم بدون قصد لذت و شهوترانی. در غیر این صورت، پوشانیدن تمام بدن حتی دست و صورت از دید محارم واجب است و احتیاط آن است که بدن خود را چه با قصد لذت و چه بدون لذت، از دید محارم بپوشاند. باز احتیاط آن است که صورت و دست‌ها را از دید محارم چه با قصد لذت و چه بدون آن بپوشاند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰: ۴۱۴). از عبارات فوق می‌توان استنباط کرد که پوشاندن صورت و دست‌ها در صورتی که قصد لذت و شهوت در کار نباشد، لازم نیست.

تأثیر حجاب بر سلامت روانی

۱- امنیت و آرامش روحی و روانی: بدون شک حجاب، تأثیر بسیار مهمی بر روح و روان زن دارد. عفاف و حجاب همچون سد سدیدى زنان را در مقابل نگاه هوسبازان مصون می‌دارد. زن به دلیل ظرافت‌های اندامش در معرض خطر کوردلان و هوس پرستان است. اگر پوششی مناسب داشته باشد می‌تواند از امنیت و آرامشی وصف ناشدنی برخوردار باشد. دین اسلام با واجب کردن حجاب، نمی‌خواهد زن بازیچه‌ی شهوت پرستان شود و ارزش او آنقدر کاهش یابد که تنها وسیله‌ی ارضای مسائل شهوانی باشد. اسلام خوشی‌های مشروع را برای زن می‌پسندد. البته، تأمین آن را در سایه‌ی عفاف امکان‌پذیر می‌داند. عفاف که ثمره‌ی حجاب و پوشش است، عامل آرامش و دور ماندن زن از عوامل پریشانی و در نهایت باعث رضایت وجدان است. عوامل نا امنی فکری زیادی وجود دارند که حجاب مانع بروز آن‌ها می‌شود. پس، حجاب موجب امنیت فکری و ذهنی می‌شود به گونه‌ای که انسان می‌تواند در طول زندگی‌اش درست فکر کند و خوب تصمیم بگیرد.



زن به دلیل این که عواطف و احساسات قوی تری در برابر مرد دارد، از نظر روانی نفوذ پذیر تر است؛ یعنی از عوامل بیرونی بیش تر از مرد متأثر می شود. این تأثر و نفوذ پذیری وقتی از یک منبع یعنی از سوی شوهر باشد، باعث حفظ وحدت و یگانگی روانی زن می شود؛ ولی، وقتی زن بدون حجاب در اجتماع مردان نامحرم حاضر می شود، به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می گیرد. در نتیجه، تعادل روانی او به هم می خورد و دچار اضطراب و آشفتگی می شود (جلالی، بی تا: ۷۰).

بنابراین، زنان با حجاب از سلامت روحی و روانی برخوردارند، در خود کمبودی احساس نمی کنند، تمایلی هم به جلب توجه دیگران ندارند، ولی زنان بی حجاب، با نمایش زیبایی، زینت و نوع پوشش خود، به نحوی برای جلب توجه دیگران تلاش می کنند. بنابراین، حجاب، آرامش روانی را در پی خواهد داشت؛ چون «برهنگی و آرایش و عشوه گری زنان، مردان و به ویژه جوانان را تحریک می کند، تحریکی که سبب کوفتگی اعصاب ایشان شده و موجب هیجان های بیمارگونه ی عصبی می شود و گاه سرچشمه ی امراض روانی است» (محمدی نیا، ۱۳۸۰: ۱۴۷-۱۴۸).

همان طور که اشاره شد از اهداف مهم حجاب ایجاد آرامش روحی و روانی زن در جامعه می باشد، عدم رعایت این اصل یکی از عوامل تهییج و تحریک جنسی است. فقدان پوشش و آزادی، زمینه ی روابط زن و مرد و معاشرت های بی بند و بار آنان را فراهم می آورد و هیجان ها و التهابات جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای مسائل شهوانی را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در وجود آنها در می آورد. غریزه ی جنسی غریزه ای نیرومند است که هر چه بیشتر از آن اطاعت شود، بیشتر سرکش می گردد، مانند آتشی است که هر چه هیزم آن زیادتر شود، شعله و رتر می گردد.

پوشش و عفاف از هدر رفتن استعدادها، توانایی ها و امکانات جلوگیری می کند و به بالندگی زن، هنجارها و ارزش ها یاری می رساند. بر عکس، پای بند نبودن به حجاب، آرامش خانواده و جامعه را بر هم زده و به التهابات دامن می زند (فصل نامه کتاب نقد ۱۷، ۱۳۷۹: ۱۳۰). پوشش نقش مهمی در جلوگیری از طغیان نفس اماره دارد، و اگر سنگر پوشش شکسته شود به نفس اماره میدان داده خواهد شد. او نیز، چون اژدهایی صاحبش را می بلعد و زندگی او و جامعه را متزلزل و نا آرام می سازد و وضع روحی بیمارگونه ای را در انسان به وجود می آورد (محمدی اشتهاوردی، بی تا: ۷۹).



۲- استحکام بنیاد خانواده:

زنان نقش بسیار مهمی در استحکام یا بنیاد خانواده ایفاء می کنند. آنان می توانند با احترام گذاشتن به افراد خانواده و همراهی و همدلی با آنان و با دلبستن به زندگی خانوادگی به مدیریت و تدبیر خانواده پرداخته و کانون خانواده را از بهداشت روانی کامل برخوردار سازند و خانواده های مستحکمی را به جامعه تحویل دهند.

امام خمینی (قدس سره) درباره ی نقش زن در جامعه می فرمایند: نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است. برای این که زنان و بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ی ابعاد هستند، قشرهای فعالی را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیاء می خواستند بانوان قشری باشند که همه ی آنها جامعه را تربیت کنند و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۳۰) با تأمل و تفکر دقیق در تاریخ زنان مسلمان درمی یابیم که همواره زنانی بوده و هستند که نقش اساسی خود را به خوبی انجام داده اند، از جمله: وجود مبارک حضرت فاطمه (س) که پیوند دهنده ی ولایت و نبوت است؛ زیرا او فرزند رسول اکرم (س) و از طرف دیگر از طریق ازدواج با حضرت علی (ع) با ولایت ارتباط پیدا می کند. در نتیجه، خانواده ی مستحکم و مبارک ائمه اطهار (ع) پدیدار می شود. بنابراین، استحکام بنیاد خانواده، از مهم ترین مسائلی است که حجاب را برای زنان ضروری می سازد.

۳- عدم تمایل به خودنمایی:

با دقت در وضعیت زنانی که حجاب را رعایت می کنند می توان نتیجه گرفت: این طیف از زنان تمایل چندانی به خود نمایی و خود آرایی ندارند، چون خلأ عاطفی ندارند، نظر ها را به خود جلب نمی کنند. برعکس، زنان بی حجاب به منظور جلب نظر ها و پر کردن خلأ عاطفی به خود نمایی تمایل دارند؛ زیرا می دانند با خود نمایی بیشتر، تمایل مردان به چشم چرانی بیشتر می شود. اگر زن حجاب و پوشش صحیح را انتخاب نکند، طبیعی است که هر دوی آن ها به شیوه های نامشروع متوسل شوند؛ ولی زنی که تمایل به خود نمایی ندارد و حجاب اسلامی را برای خود پذیرفته است. اهل وقار و عفاف است و چشم طمع کاران را کور و دست هوس بازان را کوتاه می کند. خداوند متعال که غرایز را حکیمانه با دست قدرت خویش آفریده است، هرگز در برنامه های دینی، آن ها را نادیده نگرفته است و مجرای صحیح هر کدام را معین فرموده و ضمن آن که مردان را از چشم چرانی و زنان را از خودنمایی منع کرده، ازدواج را به عنوان یک امر مشروع و





پسندیده مورد تشویق و ترغیب قرار داده و ارضای حس زیبا دوستی و خود آرایی را به حریم خصوصی خانواده هامحدود کرده است. (سلطانی، ۱۳۸۸: ۵۷)

۴- از بین رفتن وسوسه های شیطانی :

ارضای صحیح قوای جنسی که یکی از اقسام تمایلات و وسوسه های شیطانی است، زمینه ساز سلامت جسم و روان انسان هاست و سلامت اجتماعی و اخلاقی جامعه، نتیجه ی آن است. اگر در این زمینه افراط یا تفریط صورت گیرد، سلامت فرد و جامعه به خطر می افتد و مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد. کسانی که تابع هوای نفسانی هستند، در واقع خدا را فراموش کرده اند و یا از آن غافل شده اند. مهار هوای نفس و تسلط بر وسوسه های شیطانی کار ساده ای نیست؛ زیرا سیری ناپذیر است. در جامعه ی اسلامی زن با رعایت حجاب اسلامی بر این مشکلات غلبه می یابد و به تعبیر امام خمینی (ره) جهاد با نفس می نماید و جهاد با نفس عبارت است از: غلبه کردن انسان بر قوای ظاهری خود و آن ها را تحت فرمان خالق قرار دادن و مملکت را از لوٹ قوای شیطان و جنود آن خالی نمودن (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۱۹).

۵- احساس شخصیت :

از دیدگاه اسلام زن، انسانی است که خداوند همه ی مواهب را در اختیار او قرار داده است، ابزار و تکامل و رشد را هم به او داده است. فعالیت اجتماعی زمینه ی حضور زنان را در عرصه های مختلف فراهم می سازد. البته، به شرط حفظ حدود و احکام الهی که در مورد حجاب به زن گوشزد شده است. زنان با حفظ حجاب و در پرتو حضور اجتماعی زمینه ی خدمت به هموعان را فراهم می کنند، این رویکرد خود نوعی کمال است.

تأثیر حجاب بر امنیت اجتماعی

رعایت ارزش های اخلاقی: می دانیم که بین حجاب، رعایت ارزش های اخلاقی و امنیت اجتماعی رابطه ی تنگاتنگی وجود دارد که اسلام، جهت حفظ امنیت و آرامش اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثری بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرمان است. جامعه موظف است امنیت اجتماعی را ایجاد کند، ولی این مهم اتفاق نمی افتد، مگر آن که خود زنان همت کنند و در سایه ی رعایت ارزش های اخلاقی، حفظ حجاب و پایبندی به سایر شئون اسلامی، بستر مناسبی برای جلوگیری از لغزش های مردان



بیمار دل فراهم سازند. پوشش، امنیت زن را در اجتماع فراهم می‌سازد و در سایه‌ی حریم پوشش است که می‌توان با خیالی آسوده به اجتماع آمد و فعالیت کرد (واحد، ۱۳۶۳: ۴).

زمانی افراد یک جامعه آرامش روانی دارند که از پوشش مناسب برخوردار باشند. شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب و فلسفه و آثار آن از جمله پایه‌های مستحکم پوشش دینی و تبلور امنیت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشیم، برسد، پایه‌های حجاب دینی در او شکل می‌گیرد و با آگاهی کامل به امنیت اجتماعی ارزش می‌بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب که مهم‌ترین آن‌ها امنیت اجتماعی است، باعث می‌شود که نه تنها از حجاب احساس سنگینی ننماید، بلکه از آن به گرمی استقبال کنند و آرامش درونی و برونی اجتماع را وسعت بخشد.

حجاب و نهادینه شدن فرهنگ عفاف در جامعه‌ی اسلامی دارای کارکردهای متعددی بوده و هست. ایجاد امنیت اجتماعی از جمله‌ی این کارکردهاست؛ نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده‌ی سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. اسلام حجاب را از مصادیق مهم تحقق امنیت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است و زمینه‌ها و راهبردهای بسیار مهمی را برای شکوفایی ذهن نو اندیش افراد جامعه تبیین نموده است. حجاب ارتباط مستقیمی با امنیت اجتماعی دارد. هدف اصلی و فلسفه‌ی حقیقی و خوب حجاب امنیت اجتماعی است و پایه‌های امنیت اجتماعی در سایه‌ی حجاب بانوان امکان پذیر می‌گردد. هدف دین مقدس اسلام، سعادت و نجات انسان است. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۵).

بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس‌های بلند، مقنعه و چادر مشکی ضامن امنیت اجتماعی فرد بوده و دارای اصل و ریشه‌ی قرآنی می‌باشند. زنان با رعایت حجاب اسلامی نه تنها خود را به خداوند نزدیک می‌کنند، بلکه موجب گسترش روزافزون امنیت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردند. کارکرد حجاب فقط مربوط به جنبه‌ی فردی نیست، بلکه از کارکردهای اجتماعی زیادی برخوردار است و بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید و از انحلال کانون مستحکم خانواده جلوگیری می‌کند. در نتیجه، امنیت اجتماعی را فراهم می‌آورد.

حال، اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به چنین کارکردهایی و تأثیرات مطلوب آن در تأمین امنیت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدف مندانه زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به‌گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یابند. به همین دلیل، می‌توان به مسأله‌ی حجاب به عنوان راهبردی کار ساز جهت تأیید و ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و تأمین‌کننده‌ی



سعادت آدمی (که منشأ قرب الهی دارد) نگریست. زنان با عنصر حجاب اسلامی، به تهذیب و تزکیه ی نفس و ملکات نفسانی می پردازند، قرب الهی خویش را فراهم می آورند و زمینه ی رشد معنوی مردان را به دلیل حفظ نگاه تأمین می کنند (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۵۳).

حیاء و عفاف، ارزش و منزلت زن: لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه، یکی از مسائل مهم اسلامی است. در قرآن کریم درباره ی این مطلب تصریح شده است (شریف، ۱۳۸۴: ۴۵).

حفظ پوشش، به نوعی احترام به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهوانی و حیوانی است (فتاحی زاده، ۱۳۷۶: ۷۹ - ۸۰). در واقع، حجاب اسلامی برای زن امنیت و آرامش را به ارمغان می آورد و به او شخصیتی می دهد که هیچ مسلک دیگری نتوانسته آن ارزش والا را به زن بدهد و به اوج کمال برساند. یکی از فلسفه های حقیقی و جوب حجاب، ارتقای ارزش و منزلت زن مسلمان است. نفس انسان دریایی مواج از تمایلات و خواسته های او است که مهم ترین آن ها به خوراکي ها، امور جنسی، جاه طلبی، مال اندوزی و ... مربوط می شود. بدون شک از بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس مخالف است که گاهی افراط در این میل باعث بی عفتی می شود. آن چه می تواند از این بی حیایی پیش گیری کند، پوشش زن در برابر چشمان نامحرم است که با حجاب اسلامی عملی خواهد شد. پوشش اسلامی، پیام عفت، شخصیت و خدا ترسی زن مسلمان است که مردان جامعه نه تنها به چنین زنی چشم طمع نخواهند داشت، بلکه او را دارای شخصیت و مقامی والا دانسته و برای او ارزش و حرمت قائل هستند و به خود اجازه نمی دهند کوچک ترین تعرضی به این شخصیت بزرگ نمایند.

پیامدهای بی حجابی

پوشش یکی از فضایل اخلاقی مهم در عرصه ی اجتماع است و عدم رعایت آن مشکلات فراوانی را برای فرد و جامعه به بار می آورد. عدم پوشش اسلامی، مانعی برای رسیدن زن به مقامات بلند معنوی و انسانی می گردد و موجب تنزل موقعیت انسانی او می شود و در نتیجه، تبعات زیادی دارد:

عدم امنیت و آرامش: بدحجابی و پوشش نامناسب زن همیشه اندیشه ای ناصواب و وسوسه انگیز را در ذهن و روان مردان بر جای می گذارد و همین وسواس ممکن است تبعات بعدی را هم در پی داشته باشد، یکی از این تبعات، بالا رفتن سن ازدواج است، چرا که پسران جوان با دیدن زنان بدحجاب و دختران جوان، به جای آن که بیشتر در فکر ازدواج باشند، در فکر شهوترانی، هوی و هوس خواهند بود و این خطر وجود دارد که به ورطه ی سقوط و گمراهی کشانده شوند.



اگر زنان پوششی مناسب داشته باشند در امنیت و آرامش فردی و اجتماعی خواهند بود؛ زیرا بیرون از خانه و یا در محل کار اگر پوشش مناسبی وجود داشته باشد، نگاه حرامی نیست که زن را در معرض حراج نگاه های هوس آلود قرار دهد (سلطانی، ۱۳۸۸، ۵۴ و ۵۵).

ضعف معنویت و سستی اعتقاد: اگر ما آدمیان می دانستیم که چقدر خداوند ما را دوست دارد و چقدر به او نزدیکیم، سر از پا نمی شناختیم و به سویش می شتافتیم. جوان امروزی (خواه پسر یا دختر) اگر بداند دنیای دیگری هست که باید در آن جواب پس داد و روزی همه ی اعضا و جوارح اش شهادت خواهند داد که او با خود چه کرده است، خواهد فهمید که لحظه ای لذت و کام جویی ارزش این را ندارد که خود را تباه کند. ضعف معنویت و سستی اعتقاد به مبداء و معاد یکی دیگر از پیامدهای بی حجابی است. اگر کسی در ایام جوانی این مسأله را مد نظر نداشته باشد، سبب دوری او از اخلاقیات، گرایش به مدهای نیمه عریان یا تمام عریان، دست کشیدن از واجباتی که می بایست انجام دهد، خواهد شد.

عدم استحکام خانواده: یکی دیگر از پیامدهای بی حجابی عدم استحکام بنیاد خانواده است. مباحثی از قبیل؛ ارزش و منزلت زن، حفظ امنیت و همچنین حفظ بهداشت روانی فرد و جامعه و تحکیم خانواده، از مهم ترین مسائلی هستند که رعایت حجاب را برای زنان ضروری می سازد. زنان نقش بسیار مهمی در استحکام خانواده ایفاء می کنند. آنان می توانند با احترام گذاشتن به افراد خانواده و همراهی و همدلی با آنان و با دل بستن به زندگی خانوادگی به مدیریت و تدبیر خانواده بپردازند و خانواده را از بهداشت روانی کامل بر خوردار سازند. در حالی که زنان بی حجاب به علت عدم تمایل به حفظ ارزش های اسلامی و اجتماعی، جهت استحکام بنیان خانواده تلاش چندانی انجام نمی دهند.

مدگرایی، تجمل گرایی: مدگرایی، تجمل گرایی و عدم پوشش مناسب از دیگر پیامدهای بی حجابی و بد حجابی هستند. زنان و دختران جوان با در پیش گرفتن مد و پوشیدن لباس های نه چندان مناسب زمینه را برای انحرافات بعدی در جامعه مهیا می کنند؛ زیرا بدن نیمه عریان، مردان را تحریک کرده، سبب وسوسه های شیطانی خواهد شد. مخصوصاً اگر در یک جامعه زمینه برای ازدواج جوانان مهیا نباشد، بر شدت این هیجانات افزوده خواهد شد. حفظ حجاب و پوشش مناسب باعث می شود که غرایز جنسی در حد اعتدال کنترل شوند و کم تر باز یچه ی دست هوسرانان قرار گیرند. بنابراین، برای داشتن روحی زیبا، سر حال و شاداب باید پیراسته بود تا درون از آلودگی ها و رزایل اخلاقی پاک بماند. مدگرایی و تجمل گرایی از گزینه هایی است که غربیان بر روی آن تمرکز کرده اند. به این منظور



با تبلیغات فراوان در خصوص مصرف‌گرایی و لذات دنیوی، جوانان را غافل می‌کنند و اراده و تفکر را از آنان می‌گیرند. این برنامه‌ریزی متمرکز، بیش‌تر زنان و دختران جوان را هدف قرار می‌دهد. غریبان همواره سعی کرده‌اند با تبلیغ مدهای آن‌چنانی لباس‌های نیمه‌عریان و تحریک‌کننده، آنان را به طرف این مدها سوق دهند. تبعیت از این مدها اولین قدم در آلوده شدن به گناه است. پس از قدم اول، راه برگشت برای جوانان سخت و بعضاً ناممکن خواهد بود (همان، ۷۴).

عدم توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی: در دنیای مدرن و به اصلاح پیشرفته‌ی امروزی، گاهی ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی به دست فراموشی سپرده می‌شوند، سلامت افراد آن جامعه به خطر می‌افتد و مشکلات فراوانی ایجاد می‌شود. در کشورهای اروپایی، پوشش زنان پوششی نیست که زن را چون مروارید در صدف محفوظ نگه دارد. چون پوشش در جوامع غربی پوششی ناسالم است و باعث نگرانی در میان سیاست‌مداران و دولت‌مردان این کشورها شده است. نبودن پوشش مناسب باعث تحریک، آزار و همچنین ایجاد مزاحمت‌هایی بسیار دلخراش برای زنان شده می‌شود. این رویکرد نتیجه‌ی بی‌توجهی به آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی است (همان، ۷۲).

نتیجه‌گیری

برهنگی و بی‌حجابی، ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا تنزل می‌دهد. زن با داشتن حجاب، جامعه را پاک و دور از فساد نگه می‌دارد. در این صورت همه‌ی مردان و زنان در امنیت و آسودگی خاطر به زندگی سالم و عزت‌مند خود ادامه می‌دهند. بنابراین، زن با رعایت حجاب، سلامت روحی و روانی خود را تضمین می‌کند و امنیت اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد. قرآن برای این که زنان بیشتر حجاب را رعایت کنند و از آزار و اذیت هوس‌رانان در امان بمانند، به آنان سفارش می‌کند مقنعه‌ها، روسری‌ها و چادرهای خود را بر خویشان فروافکنند. این کار برای این است که با حجاب شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند. حجاب به زن امنیت و آرامش می‌دهد و به استحکام خانواده کمک می‌کند، زیرا زن دیگر تمایلی به خودنمایی ندارد و وسوسه‌های شیطانی را کنار می‌گذارد. بنابراین، حجاب در درجه‌ی اول امنیت و آرامش فردی مرد و زن را تأمین می‌کند و متعاقب آن، امنیت و آرامش اجتماعی را به‌ارمغان می‌آورد. در نتیجه، باعث کاهش چشم‌گیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی می‌شود. از مهم‌ترین عواقب بی‌حجابی از بین رفتن امنیت فردی و اجتماعی، ضعف معنویت و عدم اعتقاد به مبدأ و معاد، عدم استحکام بنیاد خانواده، مدگرایی و تجمل‌گرایی و عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی است.



پیشنهادها

موارد زیر به عنوان راهکار مطرح می‌گردند:

- توسعه فرهنگ حجاب و تقویت باورهای دینی مردم به ویژه نسل جوان؛ زیرا اگر برای این نسل ایمان همراه با شناخت و معرفت حاصل شود هیچ‌گاه شخصیت خود را بازپچه‌ی افراد فاسد قرار نمی‌دهند.
- تبلیغ لباس‌های اسلامی و ملی و نشان دادن اثرات منفی پوشیدن لباس‌های غیراسلامی در زندگی اجتماعی و خانوادگی؛
- تبیین نقش حجاب در تأمین سلامت روانی و امنیت اجتماعی؛
- بیان آیات و روایات و تبیین ضرورت و فلسفه آن‌ها؛
- تبیین تأثیر شاخص‌های حجاب اسلامی در کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی؛
- بسیج همگانی عالمان، استادان دانشگاه و مدیران اجرایی برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب از طریق تهیه‌ی مقالات و جزوات آموزشی و نشر آن‌ها به منظور تقویت بنیه‌ی اعتقادی و دینی حجاب؛
- معرفی شخصیت و ارزش‌های والای زن از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی؛
- اصالت بخشیدن به فرهنگ حجاب از طریق محصولات متنوع فرهنگی، هنری مناسب و تأثیر آن در حفظ ارزش‌های اسلامی؛
- نظارت و ارزیابی عملکرد رسانه‌ها در ارتباط با الگوهای تبلیغی آن‌ها و تأثیر آن‌ها در جامعه؛
- فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی رواج پوشش مناسب و ارائه‌ی راه‌حل‌های موثر و فوری از طریق تولید برنامه‌های کارشناسی، گفتمانی، تولید فیلم و تیزرهای تلویزیونی؛
- آسیب‌شناسی و مطالعه‌ی توسعه فرهنگ عفاف و حجاب در نظام تبلیغی دینی و ایجاد نوآوری در این زمینه؛
- از بین بردن باورهای غلط و نگرش‌های منفی و باورهای غلط فرهنگی در زمینه پوشش با شناساندن الگوهای خاص در این زمینه از طریق برنامه‌های آموزشی و تربیتی؛
- تقویت خوددباوری و اعتماد به نفس زنان جهت فعالیت‌های مفید اجتماعی و اقتصادی با رعایت اصل حجاب و عفت؛
- بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی برای ارزش‌نهادن به موقعیت زنان در جامعه و رعایت حفظ پوشش؛





منابع و مآخذ

- قرآن مجید، ترجمه الهی قمشه ای.
- [امام] خمینی، روح... (۱۳۶۱)؛ صحیفه ی نور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- [امام] خمینی، روح... (۱۳۷۵)؛ شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، تهران.
- جر، خلیل (۱۳۶۵)؛ فرهنگ لاروس، ترجمه ی سید حمید طبیبیان، ج اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- جلالی، زینب (بی تا)؛ جزوه حجاب از دیدگاه روان شناسی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸)؛ تفسیر نمونه، ج ۱۴ و ۱۷ چاپ نوزدهم، دارالکتب اسلامی، تهران.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۶۳)؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ دوم، انتشارات سروش، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶ق)؛ مفردات الفاظ القرآن، انتشارات ذوی القربی، قم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)؛ تفسیر کشاف، دارالکتب العربی.
- سلطانی، اختر (۱۳۸۷)؛ مقاله ی حجاب زینت برتر، همایش منطقه ای حجاب زینت برتر.
- سلطانی، اختر و علیمرادیان، مهرداد (۱۳۸۸)؛ حریم پوشش، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام.
- شریف، حسین (۱۳۸۴)؛ فرهنگ عفاف، (آسیب ها و راهکارها)، پیام زن، سال چهاردهم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۰)؛ عروه الوثقی، الدار الاسلامیه، ج ۱، چاپ اول، بیروت.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۴۳)؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران.
- طبرسی، ابوالعلی الفضل بن حسن (۱۳۸۰)؛ مجمع البیان جلد ۷ و ۸، ترجمه ی: حجت الاسلام علی کرمی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۸۱)؛ مجمع البحرین، ج ۳، چاپ اول، مکتبه المرتضویه، تهران.
- فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۷۶)؛ حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- فصلنامه انتقادی، سیاسی، فلسفی، فرهنگی (۱۳۷۹)؛ کتاب نقد ۱۷، سال پنجم.
- قریشی، سید علی اکبر (۱۳۵۲)؛ قاموس قرآن، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی اشتهدادی، محمد (۱۳۸۳)؛ حجاب بیانگر شخصیت، چاپ اول، معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا، تهران.
- محمدی نیا، اسدا... (۱۳۸۰)؛ گزیده ای از بهشت جوانان (آن چه باید یک مرد و زن بدانند)، انتشارات سبط اکبر، قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)؛ مسأله ی حجاب، انتشارات صدرا، قم.
- (۱۳۸۵)؛ مسأله ی حجاب، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، قم.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۱)؛ حجاب شناسی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم.
- واحد، سینا، قره العین (۱۳۶۳)؛ درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران، انتشارات مؤسسه ی تحقیقاتی و انتشاراتی نور تهران.

